

دیباچه

دوران حاضر را عصر ارتباطات می‌نامند؛ از این رو چگونگی برقراری ارتباط با گروه‌های مخاطب و کیفیت این تعاملات، از اهمیتی ویژه برخوردار است و واژه‌ها به عنوان حلقه‌های وصل در ایجاد و تداوم این ارتباط، نقشی اثرگذار دارند؛ به گونه‌ای که کنشگری در محیط پیرامون، با زبانی که برمی‌گزینیم، ارتباطی بی‌واسطه دارد و جهان ما محصول تعامل هدف‌مند و هم‌آفرینی «واژه» و «اندیشه» است.

امروزه با واژه‌ها احساس می‌آفرینند و اندیشه می‌سازند و تولید محتوا بخش وسیعی از مشغله‌های ذهنی انسان معاصر است؛ از این رو افزایش مهارت‌های گفتاری و نوشتاری از راه تقویت حافظه لغوی و گسترش دایره واژگانی، نیازی کاربردی در دنیای امروز است. این نیاز در سطوح گوناگون، از صفحات شخصی در شبکه‌های اجتماعی که بستری برای بروز تجربه‌های خودزیسته و گاه توهمات خودانگیخته است، تا اندیشه‌هایی که در حوزه‌های نظریه‌پردازی فعال هستند، احساس می‌شود.

هر متفکری در هر سطح و جایگاهی برای عرضه اندیشه‌های خود، به توانمندی‌هایی نیاز دارد و بسیاری اندیشمندیانی که به رغم انباشتگی و تراکم اطلاعات و بهره‌مندی از نظریه‌های بدیع، توانایی برونداد تفکرات خود را ندارند و در نقطه مقابل، افراد سطحی‌نگر و پوسته‌گرایی که به واسطه برخورداری از بیانی گویا و قلمی شیوا، جایگاهی والا و به اصطلاح سری میان سرها دارند و از این رهگذر، یکی از شروط کامیابی در این وادی، توانایی تبدیل «اندیشه» به «واژه» است.

نوام چامسکی به مثابه یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان جهان غرب، پیش از ورود عرصه نظریه‌پردازی، سال‌ها بر موضوع زبان متمرکز بود تا به زبان رسانه دست یابد و با پشتوانه‌ای که با نام «دستور زبان جهانی» شناخته می‌شود، به این حوزه گام نهد. از این رو ایده نخستین و انگیزه اولیه شکل‌گیری نوواژه، ساده‌سازی و سرعت بخشی به فرایند واژه‌گزینی با هدف دستیابی به نظم زبانی و انسجام واژگانی است.

این احتمال نیز متصور است که برخی از صاحب‌نظران، وجود چنین مجموعه‌ای را در تعارض با اندیشه‌ورزی پویا و نویسندگی خلاق، و فرصتی برای طبع آزمایی تهی‌مایگان در عرصه قلم بدانند، اما در خصوص این نقد مشفقانه باید گفت که تولید محتوای اثرگذار و فراگیر، به چیزی فراتر از بازی‌های کلامی و واژه‌های پرطمطراق نیاز دارد.

در این میان اصحاب قلم و اندیشه، به ویژه اهالی رسانه به واسطه یکنواختی و تکرار فرایند تولید محتوا، همواره در معرض آفاتی چون روزمرگی، واژه‌زدگی و تکرار قرار دارند و بی‌توجهی به این مهم، پیامدهایی چون ریزش مخاطب را در پی خواهد داشت. پیشگیری از این آسیب‌ها نیازمند به‌روزرسانی حافظه لغوی و بهره‌مندی از داشته‌ها و مهارت‌هایی کاربردی است؛ نوواژه، نتیجه هم‌آوری این اصول، بایسته‌ها و اندوخته‌هاست.

نکته دیگر آنکه، سیمای واژگانی و صورت نوشتاری پیش رو، بر الگوی نگارشی فرهنگستان و «فرهنگ روز سخن» استاد فرهیخته، دکتر حسن انوری منطبق است و شاید بخش‌هایی از آن با سلیقه برخی از خوانندگان همخوان نباشد؛ به مذاق شماری از ویراستاران و اهالی ادب خوش نیاید و نقدهایی را بر آن وارد بدانند، اما به نظر می‌رسد وجود یک الگو، بهتر از بی‌ضابطگی است.

یکی از پرسش‌هایی که ممکن است به ذهن مخاطبان متبادر شود، نبود منبع و فقدان ارجاعات در این مجموعه است که در پاسخ به آن باید گفت نوواژه، فرهنگ‌نامه نیست و چنین ادعایی نیز ندارد، بلکه حاصل بضاعتی اندک است و فرازهایی از آن، در دایره تجربه‌هایی شخصی جای می‌گیرد؛ هرچند چه در کاربری‌های شغلی - به مثابه ویراستار یا در جایگاه ارزیاب محتوایی - و چه در مسیر تولید این مجموعه، از تألیفات و تجربه‌های صاحب‌نظران این عرصه، بهره‌ها برده‌ام و هم‌چنان نیز خود را نیازمند بهره‌گیری از اندوخته‌های پیشگامان این وادی می‌دانم.

بدیهی است بر این اثر نیز همانند هر دست‌آفریده و ذهن‌ساخته بشری، نقدهایی وارد و خطاهایی در آن راه یافته باشد که به خاطر وجود این نقص‌های ناخواسته نیز خاضعانه عذرخواهم.

نکته حائز اهمیت در تعیین قلمرو مخاطبان اثر پیش رو این‌که، کاربران اصلی این کتاب، نظریه‌پردازان، نویسندگان، خبرنگاران، ویراستاران، مترجمان، مجریان، وکلای دادگستری، مدیران روابط عمومی و در مجموع فعالان عرصه تولید محتوا هستند.

در پایان خود را رهین منت همه عزیزانی می‌دانم که با مشارکت همدلانه و مشاوره‌های راه‌گشا، یاریگر این قلم در مسیر نگارش مجموعه حاضر بوده‌اند:

سپاس فراوان از همسر عزیزم سرکار خانم فاطمه آقاسیان که صبورانه همراهی کرد؛ برادرم محمد که در مراحل گوناگون تولید این اثر کنارم ایستاد و خواهرم مریم که خواهری را در حقم تمام کرد؛ مجتبی‌واحدیان که مدیریت رسانه‌ای و تبلیغی کار را برعهده داشت؛ دکتر مفید اسماعیلی سراجی و دکتر محمدعلی دیانی که ویرایش کتاب، محصول لطف بی‌کران‌شان بود؛ حسین نادعلی‌زاده، دکتر سجاد رضائی، دکتر سیدحسین ولی پور زرومی و سیدمسیح مسیح‌پور که مشاورانی دلسوز بودند؛ همکاران ارجمندم خانم‌ها فاطمه قنبری و زینب بابکی که با وجود مشغله بسیار، زحمت دورخوانی بخش قابل توجهی از کتاب را پذیرفتند و از حسن علی‌پور که در جایگاه مدیر هنری به ایفای نقش پرداخت.

احمد وسکره

پاییز ۱۴۰۰